

بررسی وضعیت موجود تربیت سیاسی در دوره ی ابتدایی نظام آموزش و پرورش ایران

هنگامه عبداللهی^۱
 دکتر محمد هاشم رضایی^۲
 علیرضا فقیهی^۳
 محمد سیفی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۰
 تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت موجود تربیت سیاسی در دوره ی ابتدایی نظام آموزش و پرورش ایران با استفاده از روش پژوهش کیفی به شیوه تحلیل اسنادی با نمونه آماری کتاب راهنمایی کار معلم در درس، مطالعات اجتماعی، فارسی و هدیه های آسمانی که به شیوه ی هدفمند انتخاب شدند، انجام پذیرفت. نتایج به دست آمده از پژوهش نشان داد که وضعیت تربیت سیاسی در برنامه درسی دوره ابتدایی چندان مطلوب نیست. اهداف مربوطه بیشتر ناظر بر بعد شناختی و عاطفی است و به بعد رفتاری یا مهارتی مورد غفلت واقع شده است. محتوای برنامه درسی نیز نتوانسته است فرصت مناسبی برای تربیت سیاسی کودکان مبتنی بر اندیشه مردم سالاری دینی فراهم آورد و نیاز به بازنگری اساسی و جدی دارد. گرچه روشهای آموزش و ارزشیابی پیشنهادی به نظر یادگیرنده محور و فعال هستند، لیکن با توجه به کاستی و ضعف محتوای آموزشی نمی تواند چندان موثر باشد. از سوی دیگر به نظر می رسد بین برنامه درسی تعلیمات اجتماعی، فارسی و هدیه های آسمانی از منظر تربیت سیاسی هماهنگی وجود ندارد.

کلید واژه ها: تربیت سیاسی، دوره ابتدایی، وضعیت موجود، نظام آموزش و پرورش ایران.

^۱ دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران

^۲ استادیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه پیام نور اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول) nasheresma@gmail.com

^۳ استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، ایران

^۴ استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، ایران

ارتباط نظام تربیتی با نظام و عناصر نهاد سیاسی، از دیر زمان مورد توجه بوده و بسیاری از صاحب نظران به رابطه میان مقوله ای این دو بخش، اشاره کرده اند و پیوند تنگاتنگ نهادهای آموزشی و قدرت را، مورد تأکید قرار داده‌اند. از جمله «ارسطو» اظهار می‌کند: در میان تمام چیزهایی که بیان کرده ام، آنچه بیشترین سهم را در دوام و قوام قوانین دارد، سازگاری آموزش و پرورش با نوع دولت است و این چیزی است که جهانیان از آن غافل هستند. بهترین قوانین نیز حتی اگر توسط تمام افراد جامعه هم معتبر و مشروع دانسته شود - در صورتی ارزش و اعتبار خواهند داشت که به وسیله آموزش و پرورش به نسل جوان آموخته شوند و آموزش و پرورش نیز با قوانین مزبور تطابق داشته باشند (اسمیت، ۱۳۷۳).

تأکید «ارسطو» بر ضرورت تجانس و سازگاری نظام آموزشی با نهاد حکومت، بی جهت نبود. تجربه حکومت های یونانی، این جمع بندی را در فرایند وی نهاد که ثبات اجتماعی - سیاسی، از طریق نهادهای آموزشی، پدید می آید. حکومت ها و قوانین اجتماعی، در ارتباطی فعال با نظام آموزشی می‌زیند و امکان ادامه بقا می‌یابند به مرور و با حضور عصر تغییر و تحول، نقش نهادهای آموزشی در تغییرات سیاسی - اجتماعی نیز، بیشتر مورد تأکید قرار گرفت. در این بازیافت ها، مشخص گردید که دوره تحول نیز جز با تغییرات در نظام آموزشی، ممکن نخواهد بود. به عبارتی نظام آموزش و پرورش یکی از کارگزاران مسؤول در فراگرد پرورش سیاسی است. محققان همبستگی‌های مثبتی بین آموزش و پرورش و آگاهی و مشارکت سیاسی مشاهده کرده و نتیجه گرفته اند که برخورداری از تحصیلات رسمی بالاترین تأثیر را بر نگرش های سیاسی دارد و هیچ متغیر دیگری در تعیین نگرش های سیاسی، با متغیر آموزش و پرورش قابل مقایسه نیست (علاقه بند، ۱۳۸۹).

بنابراین می‌توان گفت که یکی از مهمترین کارکردهای نظام آموزش و پرورش به طور عام و برنامه های درسی به طور خاص، تربیت سیاسی می‌باشد که ناظر بر ایجاد و رشد مجموعه ای از شناخت ها عواطف و مهارت‌های سیاسی و اجتماعی در دانش آموزان می‌باشد. «تربیت سیاسی به معنای پرورش فضایل، دانش ها و مهارت های موردنیاز برای مشارکت سیاسی که دارای گونه ی اولویت و تقدم اخلاقی نسبت به سایر اهداف آموزش عمومی است. زیرا تربیت سیاسی، دانش آموزان و شهروندان را برای مشارکت فعالانه در فرآیند بازسازی، اصلاح و بهبود آگاهانه جامعه خویش آماده می‌سازد (گاتمن، ۲۰۰۸). از نظر سول تربیت سیاسی فرآیندی است که ناظر بر تغییر نگرشهای سیاسی دانش آموزان و افزایش مهارت های مشارکتی و قابلیت های اجتماعی و ارزشگذاری آنها نسبت به حقوق سایر شهروندان می‌باشد (سول، ۲۰۱۱).

هاوکینگ تربیت سیاسی را به معنای رشد و ارتقای آگاهی ها و مهارت‌های سیاسی دانش آموزان می داند که خود به منزله ابزار مهمی جهت ترغیب شهروندان به مشارکت در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی منجمله انتخابات میباشد (هاوکینگ، ۲۰۰۹). لوماس ضمن اشاره به علاقمندی و گرایش دانش آموزان به آگاهی از مسایل و موضوعات سیاسی، ضرورت تربیت سیاسی دانش آموزان را از منظر برخوردار کردن آنها از سواد سیاسی مطرح می کند (لوماس، ۲۰۰۹).

از نظر کازامیاس و ماسیالاس تربیت سیاسی فرآیندی است که از طریق آن علاوه بر اینکه افراد، جهت گیری های سیاسی خود را نسبت به جامعه کسب میکنند، ارزشهای سیاسی و اجتماعی نیز از یک نسل به نسل دیگر انتقال می یابد. در عین حال، آلموند و وربا هم تربیت سیاسی را فرآیند القای فرهنگ سیاسی میدانند که افراد توسط آن، احساسات و نگرشهای مرتبط با نظام سیاسی و نقش خود در آن را کسب میکنند (بارتال و هاربل، ۲۰۱۰). از این رو تربیت سیاسی به عنوان یکی از مباحث مهم تعلیم و تربیت همواره مد نظر فلاسفه و متخصصان تعلیم و تربیت بوده است. در نظام تربیتی جمهوری اسلامی، تربیت سیاسی یعنی شکوفاسازی استعدادهای مدیریتی و سیاسی فرد همراه با پرورش ارزش های انسانی و وجدانی اوست. به دیگر سخن، تربیت سیاسی یعنی پرورش انسان هایی آگاه، شایسته و متعهد. انسان هایی که خود را در برابر خدا و خلق خدا، مسؤول بدانند و در اداره و سامان دهی منطقه مأموریت خود و دیگر عرصه های سیاسی، درونی (همانند روابط با مردم و رعایت حقوق آنان) و بیرونی (مسایل جهانی و بین المللی) به وظایف و مسؤولیتهای خود عمل کنند. "تربیت سیاسی" یعنی پرورش و شکوفاسازی استعدادهایی که مربوط به بعد سیاسی انسان و ویژگی عمومی او، یعنی قدرت است. تا از این راه، متریبی ضمن فهم روابط قدرت و پیچیدگی نظام های سیاسی در درون شبکه وسیع قدرت، آگاهانه و فعال، عمل نماید (قلتاش، ۱۳۹۱).

در پرورش سیاسی، برسه عنصر اصلی تأکید می گردد.

۱) شناخت: شخص درباره نظام سیاسی چه می داند و چه اعتقادی دارد؟

۲) احساس: شخص چه احساسی نسبت به نظام دارد؟ (شامل وظیفه شناسی، وفاداری، حس تعهدات شهروندی

۳) حس شایستگی سیاسی: نقش شخص در نظام سیاسی چیست؟ و چه می تواند باشد؟ تربیت سیاسی، علاوه بر دو رکن شناخت و احساس سیاسی، نیازمند تعیین جایگاه فرد در نظام سیاسی است. شخص و موقعیت او در نظام، بایستی تفسیر شود، قابلیت های خویش را پیدا کند و به درستی دریابد که چه کارهایی در توان و در مسؤولیت اوست (گاتمن، ۲۰۰۸).

اهمیت تعلیم و تربیت رسمی و در قالب برنامه های درسی که در مدارس ارائه میشود از آنجا اهمیت دارد که کودک مدت زمان قابل توجهی را در مدرسه می گذراند و در معرض آموزش های رسمی قرار می گیرد. در چنین شرایطی تربیت شهروندی و به طور خاص تربیت سیاسی میتواند شخصیت وی را تا حد زیادی تحت تاثیر قرار دهد. یکی از شواهد چنین امری، سرمایه-گذاری نظامهای سیاسی کشورهای مختلف بر روی کودکان و نوجوانان از طریق آموزش و پرورش و ایجاد دلبستگی در افراد به خصوص کودکان و نوجوانان جهت تداوم و استمرار حاکمیت سیاسی خود است. تربیت سیاسی، به عنوان زیرمجموعه ی تربیت اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است و شاید بتوان گفت از میان کارکردها و نقش هایی که تعلیم و تربیت بر عهده دارد، تربیت سیاسی و مدنی یکی از کارکردهای مهم آن است، چرا که تداوم حیات جامعه تا حد زیادی به این کارکرد بستگی دارد. تربیت سیاسی، با ایجاد دلبستگی و وابستگی نسل نو به ارزشها، افکار و نگرشها، و رفتارهای سیاسی مورد نظر، امکان تداوم، حفظ و استمرار حاکمیت سیاسی را فراهم می آورد. بنابراین میتوان گفت تعلیم و تربیت از طریق فرایند تربیت سیاسی، علاوه بر انتقال گرایشها و الگوهای فکری و رفتارهای خاص که در چارچوب سنت های رایج سیاسی هستند، نقش انتقال اقتدار سیاسی و عضوگیری برای نظام سیاسی و حکومت را نیز ایفا می نماید (مرزوقی، ۱۳۸۴). امروزه تربیت سیاسی، اجتماعی و شهروندی در همه کشورها از اولویت های تعلیم و تربیت به شمار می رود. در این راستا کشورها به نوعی سرمایه گذاری می کنند. به عبارتی دیگر نظام آموزشی به منظور پاسخگویی به انتظارات و نیازها، بخش عظیمی از منابع خود را صرف تربیت شهروندی و سیاسی افراد مینماید. بدون تردید رشد، توسعه و بالندگی کشور در همه حوزه های زندگی در گرو بازیافتن نسل فردا و اهتمام به تربیت سیاسی و اجتماعی آنهاست. به عبارت بهتر، یک جامعه ی توسعه یافته نیازمند افرادی با بینش سیاسی جامع نگر، و با قدرت بالای تجزیه و تحلیل سیاسی است که در یک فرایند زمانی شکل گرفته و نهادینه شده باشد (نادریپور، ۱۳۸۲).

از آنجا که جامعه ایران در عصر حاضر نیازمند انسانهای آگاه، حساس به مسائل جامعه، مشارکت جو، متعهد، و پایبند به ارزشهای انسانی و دینی است، لذا تعلیم و تربیت رسمی جامعه باید مطابق با این الزامات، با تدارک برنامه های درسی مناسب و قابل اجرا، امکان رشد شخصیت افراد در این ابعاد را به نحو شایسته فراهم کند (رضوی، ۱۳۸۹).

در نظام آموزش و پرورش تربیت سیاسی کودکان و نوجوانان از اهمیت خاصی برخوردار است (رضوی، ۱۳۸۹: ۲۵).

امروزه تربیت سیاسی عمدتاً در محدوده معنای جامعه شناختی قرار دارد و مبتنی بر مباحث جامعه پذیری سیاسی است. در این معنا، شاخصه هایی برای تربیت سیاسی بیان می شود که نوعاً به معنای پذیرش ظاهری و تثبیت تدریجی اصول و قواعد سیاسی مندرج در قوانین مصوب بشری است؛ به گونه ای که فرد بتواند در فرآیند مشارکت سیاسی، نقش بیش تری ایفا نماید. در حالی که تربیت سیاسی در معنای فضیلت مدارانه، به پرورش معنوی و باطنی انسان های آزاد و با اراده نظر دارد که نه تنها تأثیر به سزایی در ساماندهی زندگی اجتماعی این جهان او دارد بلکه به هدفی والاتر چشم دوخته است که همان فراهم سازی مصالح و نیل به سعادت آن جهانی است. بنابراین، در تربیت سیاسی فضیلت مدارانه شاخصه هایی مورد بحث قرار می گیرد که بتواند رسیدن به چنین هدفی را فراهم سازد؛ در حالی که در دانش سیاسی رایج امروز، تربیت سیاسی بدین معنا چندان جایگاهی ندارد. با توجه به مباحث فوق و ذکر این نکته که شالوده و پایه اصلی برنامه های درسی تحت تاثیر مکاتب و نظریه های فلسفی است این پژوهش در پی پاسخگویی به این سوال پژوهشی است وضعیت موجود تربیت سیاسی در دوره ی ابتدایی نظام آموزش و پرورش ایران به چه صورت است؟

۲- اهداف پژوهش:

بررسی وضعیت موجود تربیت سیاسی در دوره ی ابتدایی نظام آموزش و پرورش ایران.

۳- سوال پژوهش

وضعیت موجود تربیت سیاسی در دوره ی ابتدایی نظام آموزش و پرورش ایران چگونه است؟

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر براساس روش گردآوری داده ها، از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی و با توجه به هدف تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی بود. از سوی دیگر باتوجه به داشتن رویکرد یا پارادایم زیر بنای پژوهش، این پژوهش، نوعی پژوهش کیفی بود که برای پاسخگویی به سوال پژوهش از شیوه تحلیل اسنادی استفاده گردید. جامعه تحقیق شامل متون مرتبط با موضوع تحقیق که بر این اساس نمونه پژوهش بر اساس شیوه نمونه گیری هدفمند شامل کتاب راهنمایی کار معلم در درس، مطالعات اجتماعی، فارسی و هدیه های آسمانی بود که با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی - قیاسی مورد تحلیل قرار گرفته و کد گذاری شد.

وضعیت موجود تربیت سیاسی در دوره ی ابتدایی نظام آموزش و پرورش ایران چگونه است؟

داده های مورد نیاز برای پاسخگویی به این سوال پژوهش با استفاده از واکاوی اسناد؛ به دست آمد. در برنامه درسی دوره ابتدایی، مواردی را می توان رصد کرد که جهت گیری تربیت سیاسی و مدنی برنامه را نشان می دهد. "در کشور ما با توجه به محوریت رویکرد تربیت اسلامی، شهروند مورد نظر شهروندی مسلمان و مومن است که هم در باور و اعتقاد و هم در عمل و رفتار در چارچوب موازین اسلامی حرکت نماید و علاوه بر تلاش مداوم در جهت کسب فضائل معنوی و اخلاقی، آگاهی ها و مهارتهای اجتماعی مورد نیاز برای زندگی موثر و مطلوب در جامعه اسلامی را به دست آورد"

از سوی دیگر، در در اصول حاکم بر برنامه درسی دوره ابتدایی، مواردی به چشم می خورد که جنبه سیاسی دارند. از جمله این موارد می توان به اصل دهم (حضور اندیشه های حضرت امام خمینی(ره) در کالبد محتوای آموزش) و اصل سیزدهم (سمت گیری آموزش در جهت وحدت اسلامی) اشاره کرد

۱-۵- وضعیت موجود تربیت سیاسی در بعد اهداف

برای پاسخگویی به این سوال پژوهش از شیوه تحلیل اسنادی استفاده گردید و کتاب راهنمایی کار معلم در درس، مطالعات اجتماعی، فارسی و هدیه های آسمانی مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفت، نتایج نشان میدهد که اهداف مرتبط با تربیت سیاسی، که تنظیم شده اند بیشترین تاکید را بر اهداف شناختی و نگرشی دارند. این در حالی است که بخش ناچیزی از هدفهای مذکور، مهارت یا توانایی های رفتاری را در مخاطبان مورد تاکید قرار می دهد.

اهداف مذکور بیشتر ناظر بر :

۱- آشنایی با مسائل اعتقادی، ملی، فرهنگی - تربیتی، و اجتماعی

۲- آگاهی از هویت جمعی

۳- آگاهی از حقوق و وظایف

۴- آگاهی از قوانین و مقررات

۵- میهن دوستی

۶- توجه به روحیه مشارکت

۷- همکاری

۸- اتحاد،

۹- مسئولیت پذیری

۱۰- تصمیم گیری مدنی

۲-۵- وضعیت موجود تربیت سیاسی در بعد محتوا

برای پاسخ به این سوال محتوای کتاب کار معلمان در دروس هدیه های آسمانی، فارسی و مطالعات اجتماعی محتوای مورد بررسی قرار گرفت. محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی مفاهیم اصلی خود را از رشته های علمی نظیر جغرافیا، تاریخ، اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه شناسی، و روانشناسی و همچنین مطالعات آسیا و خاورمیانه، مطالعات شهروندی، مطالعات محیط زیست و غیره می گیرد. مطالعات اجتماعی تا حد زیادی به تربیت سیاسی اختصاص دارد، بخش عمده موضوعات کتاب در پایه های پایین تر به محیط های آشنا نظیر خانواده، مدرسه و محله معطوف و با حرکت به سمت پایه های بالاتر، به سطوح ملی، قاره ای و جهانی متمایل شده است. همچنین در آموزش موضوعات تاریخی به توالی زمانی دوره ها و رویدادها توجه شده است. در برنامه درسی هدیه های آسمانی دوره ابتدایی نیز، بر پایه سوالات اساسی انسان، ده مفهوم اصلی انتخاب و اهداف هر پایه در این بخش ها تنظیم شده است که خدا، پیامبری، امامت، معاد، قرآن، آداب و اخلاق، احکام، مراسم، شخصیت های دینی، و خودشناسی را شامل می شود، در واقع همان طور که مشاهده می شود مفاهیم اصلی مورد نظر در هدیه های آسمانی، اصول دین و برخی موضوعات دیگری است که بسیاری از آنها در اندیشه سیاسی نقش بسیار مهمی دارند. برای مثال، خدا محوری ترین مفهوم یا مولفه تربیت سیاسی در اندیشه مردم سالاری دینی است چرا که خالق و یکتا بودن خداوند، اساس حاکمیت خداوند و بنیان مشروعیت حکومت است.

در برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی نیز مطالب و مفاهیمی در نظر گرفته شده است که جنبه سیاسی دارند. در راهنمای برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی مفاهیم به دو دسته دانشی و ارزشی تقسیم بندی شده است.

گر چه در هر یک از دروس مذکور تلاش شده است محتوای مناسب برای مخاطبان تدارک دیده شود، لیکن محتوای آنها با یکدیگر ارتباط چندانی ندارد و به ویژه در بعد سازماندهی محتوا تلاشی در جهت تهیه برنامه درسی هماهنگ و تلفیقی در دوره ابتدایی مشاهده نمی شود. در واقع، به دلیل طراحی مجزای برنامه درسی هر یک از دروس دوره ابتدایی است که مطالب و موضوعات تکراری وجود دارد و محتوای برنامه درسی (مرتبط با تربیت سیاسی) دارای همپوشی نیز هست. گر چه تکرار میتواند موجب افزایش اثربخشی یادگیری شود، لیکن تکرار هنگامی مفید است که آگاهانه و هدفمند باشد. این در حالی است که باید تربیت سیاسی به شیوه تلفیقی ارائه می شود و دروس مختلفی مثل تاریخ، جغرافیا، موسیقی، هنر، ریاضیات، زبان، علوم، و فناوری را در بر می گیرد. عمده ترین مضامین سیاسی مطرح شده در درس مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی، مواردی از قبیل ظلم و ستم شاهان و حاکمان، رهبری، انقلاب اسلامی، نمادهای سیاسی، وحدت، ظلم ستیزی، همکاری و مشارکت است. در حالی که مضامینی نظیر مسئولیت، شورا و مشورت، مردم، امر به معروف و نهی از منکر کمتر مورد توجه قرار گرفته اند. در کتابهای هدیه های آسمان نیز همانند کتابهای تعلیمات اجتماعی، ظلم و ستم حاکمان، رهبری، ظلم ستیزی، عمده ترین مضمونی بوده که مطرح شده است. در حالی که برخلاف کتابهای تعلیمات اجتماعی، در کتابهای هدیه های آسمان برخی از مضامین مهم سیاسی از قبیل نمادهای سیاسی و وحدت از فراوانی کمتری برخوردار بوده است. همچنین مولفه های اساسی تربیت سیاسی نظیر مشورت، عدالت، انتخاب، امر به معروف و نهی از منکر و قانون گرایی نیز در این میان مورد غفلت واقع شده است و بالاخره این که در درس فارسی دوره ابتدایی، مضامینی نظیر نمادهای سیاسی، میهن و مفاخر ایران، فداکاری و ایثار، ظلم ستیزی، خدا و حاکمیت او، ایرانی و افتخار به ایرانی بودن دارای اولویت های بالاتری است، حال آن که مضامینی از جمله انتخاب، حقوق مردم، عدالت، رهبری، قانون، مشورت، و مشارکت کمتر مشاهده می شود

در محتوای کلیه دروس مضامینی نظیر ولایت فقیه، انتخاب، مسئولیت، امر به معروف و نهی از منکر، شورا و مشورت، آزادی،

استقلال از منظر تربیت سیاسی در محتوای دروس کمتر مورد توجه قرار گرفته است

علاوه بر اطلاعات به دست آمده از داده های کیفی، محتوای دروس دوره ابتدایی، هر چند در برنامه درسی دوره ابتدایی محتوای تربیت سیاسی چندان مطلوب نیست، لیکن مواردی وجود دارد که به نوعی تحقق مردم سالاری دینی در کتابهای درسی و در راستای تربیت سیاسی کودکان به شمار می رود هر چند این موارد اندک می باشد. مطالعات اجتماعی، مهمترین و جدی ترین بخشی است

که به تربیت سیاسی می پردازد. در این درس به مواردی نظیر استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، قانون اساسی، رهبری، وظایف حکومت، وظایف افراد، وحدت، شورا، تعاون، ایثار و فداکاری پرداخته شده است. البته در بخش تاریخ از درس مطالعات نیز وقایعی مثل انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی بیان شده است.

۳-۵- وضعیت موجود تربیت سیاسی در بعد راهبردهای یاددهی - یادگیری

برای پاسخگویی به سوال شیوه های یاد دهی و یادگیری کتاب های راهنمایی کار معلمان در سه درس مطالعات اجتماعی، فارسی و هدیه های آسمانی بررسی و مطالعه گردید و نتایج نشان داد که به منظور تحقق هدفهای آموزشی مرتبط با تربیت سیاسی در دوره ابتدایی روشهای مختلفی پیشنهاد شده است. با توجه به اینکه درس مطالعات اجتماعی، دارای ماهیتی کاوشگری و تربیتی - فرهنگی با رشد فردی و اجتماعی است، لذا استفاده از روشهای متنوع و فعال یادگیری در این حیطه الزامی و اجتناب ناپذیر است و از طریق به کارگیری روشهای فعال و در چارچوب فرایند کاوشگری قادر به پرورش مهارتهای ذهنی، عملی و اجتماعی دانش آموزان خواهیم بود

لذا، در برنامه درسی مذکور، شیوه های یادگیری فعال (نظیر حل مساله، بحث گروهی، پرسش و پاسخ، بارش مغزی، همیاری، اجرای پروژه، بازدید علمی) توصیه شده است. در این شیوه ها، تاکید بر محوریت و فعالیت دانش آموز است و معلم را به عنوان تسهیل گر در نظر گرفته است تا بدین سان رویکرد یادگیرنده - محور را تحقق بخشد. همچنین ذکر شده است که با توجه به رویکرد فرهنگی - تربیتی برنامه درسی مطالعات اجتماعی، معلم این درس باید علاوه بر ایفای نقش الگویی و کسب صلاحیت های لازم، به منظور اثربخشی آموزش و به ویژه درونی سازی ارزشها از روشهای تربیتی اسلامی در تدریس نظیر روش تبشیر، تشویق، انذار، محبت، تکریم، موعظه حسنه، تکلیف به اندازه توان، تغافل و عفو و غیره استفاده نماید.

در راهنمای برنامه درسی هدیه های آسمانی، آموزش دینی کودکان به دو دوره تقسیم شده است. دوره اول به خردسالان شامل پایه های پیش دبستان، اول، دوم و سوم دبستان مربوط شود. روش آموزش دینی در این دوره توأم با شوخی و سرگرمی و داستان گویی در نظر گرفته شده است که در آن از داستان، نقاشی، نمایشنامه، و کارهای هنری نیز در آموزش بهره گیری می شود. دوره دوم نیز دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم و ششم را شامل می شود. در این دوره معلومات در سطح بالاتری برای آنان ارائه می شود و اطلاعات دینی بیشتری در اختیارشان قرار می گیرد. در این مرحله نیز استفاده از داستان، شعر، سرود، نمایشنامه، و کارهای عملی و هنری مختلف یکی از ضرورت های آموزش به شمار می آید. همچنین استفاده از شیوه های نوین از جمله پرسش و پاسخ، نمایش، داستان گویی، گردش علمی، همیاری، نمایشی، و خلق موقعیت برای داوری توصیه شده است. برای آموزش مسائل اخلاقی نیز روش های غیرمستقیم مثل الگوبرداری پیشنهاد شده است. در راهنمای برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی، نیز روش های متنوعی مثل بدیعه پردازی، واحد کار (پروژه)، ایفای نقش، پرسش و پاسخ، و بحث توصیه شده است.

گرچه در برنامه درسی دوره ابتدایی روش های مختلف و متنوعی به عنوان روش های فعال توصیه شده است، لیکن به نظر می رسد بیش از آن که به قابلیت کاربرد این روشها در دوره ابتدایی توجه شده باشد و طراحی لازم جهت کاربرد روش های تدریس پیشنهادی در آموزش انجام شده باشد، فهرستی از روش های نوین ارائه شده است. از سوی دیگر در برخی موارد بین روش های تدریس (مثل روش بحث گروهی، روش پرسش و پاسخ)، فنون تدریس (مثل تشویق، تبشیر، محبت، عفو) و شکل های محتوایی (مثل داستان، شعر، نمایشنامه)، و اصول آموزشی (مثل تکلیف به اندازه توان) اختلاط ایجاد شده است. بنابراین به نظر می رسد روش های پیشنهادی به صورت آگاهانه و عالمانه تدبیر نشده است و بیشتر تابع جریانات علمی اخیر در خصوص گرایش به روش های نوین تدریس و آموزش بوده است.

۴-۵- وضعیت موجود تربیت سیاسی در بعد ارزشیابی

برای پاسخگویی به این سوال شیوه های پیشنهادی ارزشیابی در کتاب کار و راهنمایی معلمان در سه درس مطالعات اجتماعی، هدیه های آسمانی و فارسی مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفت و نتایج نشان داد در درس مطالعات اجتماعی بر نقش و اهمیت "ارزشیابی مستمر" تاکید شده است و تذکر داده شده است ارزشیابی مستمر به معنای امتحان های مکرر نیست که آرامش روانی کودکان و نوجوانان را بر هم زند؛ بلکه، به معنای ارزشیابی در جریان فرایند یادگیری است. بدین منظور استفاده از یک لیست ارزشیابی توسط معلم توصیه شده است و به منظور تکمیل لیست ارزشیابی مستمر، از مجموعه روشهای فرایندی - تکوینی و عملکردی نظیر پوشه کار، سیاهه رفتار (چک لیست یا سیاهه ارزشیابی)، پروژه های فردی و گروهی، تکالیف درسی، برگه ثبت مشاهدات، خودارزیابی دانش آموزان، ثبت فعالیتهای داخل و خارج از کلاس درس به طور فردی و گروهی توصیه شده است. همچنین در برنامه درسی مطالعات اجتماعی، ارزشیابی پایانی تا پایان کلاس سوم به صورت شفاهی و برای پایه های چهارم و پنجم و ششم به صورت کتبی در نظر گرفته شده است. در ارزشیابی کتبی توصیه شده است که با توجه به دامنه محدودتر دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم و ششم و ورود آنان به مرحله آزمونهای کتبی، دامنه پاسخ به سوالات انشایی از بعد تحلیلی و تبیینی محدودتر و به موازات حرکت به سمت پایه های بالاتر (دوره متوسطه ی اول)، این دامنه به تدریج افزایش یابد. به علاوه، جهت ارزشیابی پایانی، آزمونهای کتبی و عملکردی نیز توصیه شده است. در برنامه درسی هدیه های آسمانی نیز اشاره شده است که جهت ارزشیابی از عملکرد دانش آموزان، استفاده از روشی که موجب احساس ناخوشایند، دلهره و احساس شکست شود، نامناسب و نامطلوب است. همچنین مقایسه بین دانش آموزان مردود شمرده شده است. از این رو تاکید بر ارزشیابی به صورت مستمر است و روش کیفی مانند مشاهده رفتارها را پیشنهاد می کند در ضمن اشاره شده است که برای ارزشیابی دانش آموزان امتحان وجود ندارد. از سوی دیگر، گر چه در

راهنمای برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی، روشهای مختلف ارزشیابی ارائه شده، لیکن ارزشیابی از اهداف منظور شده در راهنمای برنامه درسی فارسی که به نحوی با تربیت سیاسی در ارتباط است، به طور واضح و مشخص در راهنمای مذکور مشخص نشده است.

۶- نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که وضعیت تربیت سیاسی در برنامه درسی دوره ابتدایی چندان مطلوب نیست. اهداف مربوطه بیشتر ناظر بر بعد شناختی و عاطفی است و به بعد رفتاری یا مهارتی مورد غفلت واقع شده است. محتوای برنامه درسی نیز نتوانسته است فرصت مناسبی برای تربیت سیاسی کودکان مبتنی بر اندیشه مردم سالاری دینی فراهم آورد و نیاز به بازنگری اساسی و جدی دارد. گرچه روشهای آموزش و ارزشیابی پیشنهادی به نظر یادگیرنده محور و فعال هستند، لیکن با توجه به کاستی و ضعف محتوای آموزشی نمی تواند چندان موثر باشد. از سوی دیگر به نظر می رسد بین برنامه درسی تعلیمات اجتماعی، فارسی و هدیه های آسمانی از منظر تربیت سیاسی هماهنگی وجود ندارد.

۷- پیشنهادات

- توجیه وزارت آموزش و پرورش و شورای عالی آموزش و پرورش جهت تغییر در برنامه درسی مبتنی بر یک الگوی جدید

- آموزش معلمان مجری تربیت سیاسی (تربیت سیاسی مستلزم روش های اجرای فعال است بنابراین باید مربیان در این برنامه به سوی رو یکرد فعال هدایت شوند).

- اسمیت جی، فلیپ. فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه سعید بهشتی. (۱۳۷۳). تهران: به نشر، ویرایش دوم.
- رضوی، عباس. (۱۳۸۹). در پژوهشی با عنوان طراحی الگوی مطلوب برنامه ریزی درسی در خصوص تربیت سیاسی در دوره ابتدایی. دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، پایان نامه چاپ نشده.
- رضوی، سید حسن؛ ملکی، حسن؛ عباس پور، حسن و ابراهیمی قوام، صغری. (۱۳۸۹). تربیت سیاسی در برنامه درسی دوره ابتدایی، فصلنامه روانشناسی تربیتی، سال ششم، شماره ۱۶، صص ۱۹-۵۸.
- علاقه بند، علی. (۱۳۸۹). جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: نشر روان
- قلتاش، عباس. (۱۳۹۱). مبانی اجتماعی و سیاسی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی رویکردها و دیدگاههای تربیت شهروندی پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت. سال دوم، شماره ۱، صص ۴۷-۶۴.
- مزروقی، رحمت الله. (۱۳۸۴). تربیت مدنی از دیدگاه اسلام: رویکردی به پرورش سیاسی، فصلنامه تربیت اسلامی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۰۸-۹۳.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ص ۱۸۳
- محمد طحان، مصطفی. (۱۳۷۹). چالشهای سیاسی جنبش اسلامی معاصر، ترجمه خالد عزیزی، تهران، نشر احسان.
- جان الیاس. (۱۳۸۵). فلسفه تعلیم و تربیت، ترجمه عبدالرضا ضرابی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ص ۱۸۰.

میر احمدی، منصور. (۱۳۸۷). اصول و مبانی تربیت سیاسی در متون و منابع دینی. مجله راه تربیت، شماره ۵ ویژه نامه تربیت

سیاسی

جعفری، محمدتقی. (۱۳۶۹). حکمت اصول سیاسی اسلام؛ قم، بنیاد نهج البلاغه، ص ۴۷.

عالم، عبد الرحمن. (۱۳۷۶). بنیادهای علم و سیاست، تهران، نشر نی، ص ۳۰.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۱۴، ص ۵۵۰.

راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، ذیل ماده «رب».

Gutmann, A., (2008). Democratic education. Princeton University Press. New Jersey. P. 287.

Soule, S, R., (2011). The crucible of democracy: civic education in Bosnia and Herzegovina (dissertation). University of California, Santa Barbara. Available in. www. proquest. Com

Hawking, J, E., (2009). Political education in the Harold Washington Movement (Dissertation). Northern Illinois University. available in: www. proquest. Com

Lomas, B, P., (2009). Education for citizenship: comparative lessons for Northern Ireland (Dissertation). Queen's University of Belfast (United Kingdom). available in: www. proquest.

com.

Bar-Tal, D . Harbel, A,. (2010). Teachers as agents of political influence in the Israeli high schools. *Journal of Teaching and Teacher Education*. vol 18. available in www.elsevier.com/locate/jtate.